

در قلاطم رود

محمود محبوب

www.ketabo.ir

سرشناسه : محجوب، محمود، ۱۳۶۰ -
عنوان و نام پدیدآور : در تلاطم رود/ محمود محجوب.
مشخصات نشر : انتشارات مهرآذین، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری : ۱۶۰ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۴۶۶-۳-۶
وضعیت فهرست نویسی : فیا
موضوع : شعر فارسی - قرن ۱۴
رده بندی کنگره : IIR ۸۳۶/ج ۴۱۳۹۳۵۳
رده بندی دیویی : ۱/۶۲۴۸
شماره کتابشناسی ملی : ۳۶۰۵۵۴۶



انتشارات مهرآذین

عنوان : در تلاطم رود
صاحب اثر : محمود محجوب
ناشر : مهرآذین
صفحه آرایي : سمانه چراغی
طرح جلد : سعید چراغی
محل نشر : اصفهان
نوبت چاپ : اول ۱۳۹۴
چاپ : مهرآذین
شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه
قیمت : ۱۰۰۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-94466-3-6

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۴۶۶-۳-۶

اصفهان، انتشارات مهرآذین، ۱۳۹۳-۳۱-۰۳۱

به مناسبت انتشار «در تلاطم رود»

نه به داوری، جثه و جریزه اش نیست، که به واسطه ی رابطه ی محبت و دوستی نگاه خود بر این دفتر را بخوایم توصیف کنم چیزی در این حدود خواهد شد:

شاعرانگی که هست، هر گاه به ذوق و هنر و حسیت امور را بسنجیم؛ خوب هم هست. «از آنجا که تابلوهای روز را...»، «با روی مثل ماهت شهپر کجا گریزد...»، «حتا اگر شبیه خورشید...»، «سایه ام را با تیر زدم...»، «عنکبوت تنهایی من...»، و «وقتی آسمان دختر همسایه...» همه گواهی می دهند بر این شاعرانگی. جست و خیزی دائمی در از پرده به در فکندن حس شعری که سراغ اش را داشته ام، از نوجوانی شاعر تا به این سو هم گواهی دیگر. تداومی، و بلوغی هم اگر باشد، هر جا در این وادی، بی این ذوق و حسیت جز حصول به فن آراسته گوئی سرانجامی اش نیست. این از یک سو.

اما ادبیات امروز، باید ادبیات امروز باشد؛ چه به مضمون، و چه به امثله، شخصیت ها، رویدادها و غیره. زمان در هنر و ادبیات محتوا را می سازد، یا به بیانی دیگر بی زمانی خود از پیش قید مخاطب جدی را، که ناگزیر وابسته ی زمان است، زده است. در این مقام حتا ساختار تابعی از قلمرو مضمون و این یکی خود از قلمرو روز آمدی است؛ هر چند روز آمدی خود پیش از ساختار به مضمون پیوند دارد.

به یادمان باشد زنده یاد سیمین که در غزل چنان بی پروا منادی امروز بود، و چه بسا "شاعرانی" که به ساختار نومفاهیم مهجوری می سرایند به "استادی"، و چه بسا جوانانی که با توشه ای برگرفته از مفاهیم عام و سطحی، که به صرف گذران عمر هر متعلقی را کمی صفا و جلای روح داده و کمی به اصطلاح می سازد تا اگر ذوقی هم باشد با تغذیه از این توشه گهگاهی، از سر ذوق فردی واکنشی بدهد که در بهترین حالت همان فوران حسیتی است که حرف اش رفت از این منظر نباید «تلاطم رود» را بی هیچ، خرده ای فرو گذارد، اما در عین حال برآینده و جوانی باید دل بست و براین که آن ذوق و حسیت مذکور بر زینتی دیگر آراسته شود مقرون به همین روزآمدی و همزمانی، با غور و تفحصی بیش از این در ادبیات معاصر ایران و جهان و هم به حرف خالق «جنگ و صلح» در علوم زمانه؛ چه هنرمند اگر قرار است که شاخک حساس زمانه ی خود باشد بی آشنایی کافی با این مقولات، گیرم که به شکلی مبهم و خام و شهودی پیام زمانه ی خود را دریابد، ولی هرگز قادر به پرورش و انتقال نیست.

به این دو وصف است که شاعرانگی قامت می افرازد، موجه می شود و برباره ی مراد می راند:

حسیت و دانسته ی روز، و برای محمود عزیز که استعداد و روحیه ی مناسب و فرصت کافی دارد، گام برداشتن در این شاهراه نه سخت است و نه ناگوار.

ع. چلیاوی